

خدا» نامید و برای قومش طلب بخشش کرد: «إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي مَنْ تَشَاءُ... أَنْتَ وَلِيْنَا فَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا... وَأَنْتَ حَيُّ الْقَافِرِينَ»^{۳۶}. باین حال ناامیدی پیامبران از رحمت و نصرت خدا یا تردید در خیرخواهی و عدالت او در قرآن بی سابقه هم نیست. «حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا»^{۳۷}. «مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالصَّرَاءُ وَزُلُّوا حَتَّىٰ يَقُولَ الرُّسُلُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَىٰ نَصْرُ اللَّهِ»^{۳۸}. نوح علیه السلام نیز از قوم خود خسته و ناامید نزد خدا شکایت برد: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ. فَقَدَرْنَا بَرَهُ الْغُلُوبُ فَأَنصَرَّتْ»^{۳۹}. ایوب در قرآن پس از طوفان حوادث و بر باد رفتن زندگی اش در تنهایی شکوایه‌ای عاشقانه به خدا کرد: «أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^{۴۰} یعقوب پس از گم شدن یوسف با عبارت «إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَخُزْنِي إِلَى اللَّهِ»^{۴۱} هرگونه اظهار گلایه نزد کسی به غیر از خدا را سبب خشم او و محرومیتش از مقام صبر جمیل می دانست.

خوف، رنج و پرتربه بی نقص خدا

الهیات ضعف خدا از دل الهیات مدرن شکل گرفت که بر مبنای آن صفات اصلی خدا نه مطلق، بلکه محدود هستند و بر چنین خدایی نامطمئن تکیه نمی توان زد. سنت اعتراضی شفاعت نبی اگرچه در برخی مضامین خود با تصویر انسانی خدا روبه رو بود، اما در نهایت به قادر متعال اذعان داشت. اما «الهیات اعتراضی» در شرایطی بسط یافت که به هر صورت یکی از صفات قدرت، علم و خیرخواهی خدا «محض» نیست. به همین دلیل در سنت کلام اسلامی امکان هرگونه ایجاد یا توسعه الهیات اعتراضی نسبت به خدا ممنوع است. حتی تئودیسسه‌های اسلامی نیز بر مبنای تفاسیر قرآن درصدد پاسخ به رنج برآمده‌اند و هرگز پاراز الهیات اسلام فراتر نگذاشته‌اند. شاید دلیلی شخصی نیز پشت این برخورد محتاطانه وجود داشته باشد: خوف الهی. بنده مؤمن مسلمان که همواره در خوف و رجای الهی به سر می برد و از عقوبت ظن بد به خدا بردن آگاه است چگونه می تواند به خالق متعالی که جز خیر برای او نمی خواهد اعتراض کند؟

از سوی دیگر، تفسیرهای اسلامی از مسئله رنج نیز سهم عمده‌ای در ستروان ماندن سنت اعتراضی دارند: خلقت انسان در رنج، «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^{۴۲}، و رنج به عنوان امتحان، «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالسَّمَرَاتِ»^{۴۳}، مشابه تفسیری مسیحی، اصلاً محلی از اعراب برای اعتراض باقی نگذاشته است. وجود آیه دیگری چون «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ»^{۴۴} مؤید این معناست که همواره ممکن است دلیل رنج تقصیر خود بنده باشد، چنانچه در داستان یونس، او نخست به تقصیر خویش معترف است: «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^{۴۵}. وجه مشترک همه عرض خواسته‌ها و گلایه‌ها خشیت و تواضع آن‌ها در مقابل پروردگار است. هیچ گلایه‌ای در قرآن با گردن افرازی یا تلاش برای تعیین تکلیف برای خدا همراه نیست.

تلافی آنچه عهد عتیق از ایوب می گوید و آنچه قرآن روایت می کند رامی توان در داستان ایوب جمع بندی کرد و به پایان برد: ایوب نه از خدا، بلکه از آنچه بر او می گذرد و از آنچه دوستانش به او طعن می زنند به او شکوه می کند. باین حال او ایمانش به غیب را از دست نمی دهد و امیدوار است خدا به دلداری او برآید و به یقین می داند که چنین خواهد شد. اما او در مقام اعتراض و دادخواهی نیست و ایمان اوست که او را نجات می دهد. «آن چنان که کبیر ککور در تأیید ایوب می گوید او همه حرف رازده است: خداوند داد و خداوند گرفت»^{۴۶}.

+

پی نوشت

۱. سفر خروج، ۲۳: ۲۲-۵.
۲. کتاب حزقیال، ۳۱: ۲۲.
۳. پیدایش ربا، ۱: ۴۹.
4. DeForest, Daniel. *Judging God: Why Protest Prayer Persists in Judaism and disappears in Christianity*. London.
۵. پیدایش، ۱۸: ۲۶.
۶. استاد مطالعات یهود.
۷. پیدایش، ۱۸: ۱۸. باین توصیفات از یهوه، این پرسش خطا نیست که چرا او چنین وهم انگیز و خوفناک بر سراسر کتاب مقدس حاکم است و یهود از او با تعابیر قهار و متجاوز یاد می کند؟
۸. خروج، ۲۰: ۱۸.
۹. ارمیا، ۱۶: ۷.
10. DeForest, Daniel. *Judging God: Why Protest Prayer Persists in Judaism and disappears in Christianity*. London.
۱۱. خروج، ۱۳: ۴.
۱۲. خروج، ۲۳: ۲۲-۵.
۱۳. خروج، ۴: ۱۷.
۱۴. خروج، ۱۱: ۱۴-۳۲.
۱۵. مزامیر، ۵: ۸-۷۹.
۱۶. مزامیر، ۱: ۱۰.
۱۷. ارمیا، ۱۸: ۱۵.
۱۸. کتاب یونس، ۱: ۴.
۱۹. مزامیر، ۱: ۵-۲۲.
۲۰. دوم قرنطیان، ۱۰: ۴۸.
۲۱. یوحنا، ۱۷: ۱-۱۱.
۲۲. لوقا، ۲۴: ۲۳.
۲۳. متی، ۲۶: ۳۸.
۲۴. مرقس، ۱۴: ۳۶.
۲۵. دوم قرنطیان، ۹: ۱۲-۷.
26. Kolitz, Zvi (January 1, 1995). *Yossel Rakover Speaks to God: Holocaust Challenges to Religious Faith*. First American Edition.
۲۷. قرآن، یوسف، ۸۳.
28. Kermani, Navid (2011). *The Terror of God: Attar, Job and the Metaphysical Revolt*. Translated By Wieland Hoban. p130.
۲۹. اعراف، ۱۵۵: و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه ما انتخاب کرد، پس چون لرزشی سخت (به جرم درخواست دیدن خدا به چشم) آن‌ها را در گرفت، موسی گفت: پروردگارا، اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آن‌ها و ما هلاک کنی (کاش) پیش‌تر از این وعده می کردی. آیا ما را به فعل سفیهان ما هلاک خواهی کرد؟ این کار جزفتنه و امتحان تونبست. که به این امتحان هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت می کنی، تویی مولای ما، پس بر ما ببخش و ترحم کن، که تویی بهترین آموزندگان.
۳۰. یوسف، ۱۱۰: (مردم با انبیا چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد.
۳۱. بقره، ۲۱۴: که بر آنان رنج و سختی‌ها رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آن‌گاه که رسول و گروندگان با او (از خدا مدد خواستند و) گفتند: بار خدا، کی ما را یاری کنی؟
۳۲. قمر، ۱۰۹: پیش از اینان هم قوم نوح بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند: او مردی دیوانه است، و (باز جرمی بسیار که از آن‌ها کشید از دعوت به حق) با دناشته شد. در نتیجه [نوح] پروردگارش را خواند که [پروردگارا]، من [از هدایت این قوم] درمانده‌ام، پس یاری کن.
۳۳. انبیا، ۸۳: (و عرضه داشت) بد حالی و مشکلات به من روی آورده و تو ارحم الراحمینی.
۳۴. یوسف، ۸۶: من با خدا غم و درد دل خود گویم.
۳۵. بلد، ۴.
۳۶. بقره، ۱۵۵.
۳۷. شوری، ۳۰.
۳۸. انبیا، ۸۷.
39. Kermani, Navid. *The Terror of God: Attar, Job and the Metaphysical Revolt*. Translated By Wieland Hoban.